

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۵ **۱۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۷** **۳ ژوئن ۲۰۲۶** **سال بیست‌ودوم** **شماره ۵۴۰۰** **۸ صفحه**

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۲ **اذان مغرب ۱۹:۲۷** **اذان صبح فردا ۳:۰۴** **طلوع آفتاب ۴:۴۹**

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

روان‌خوانی

خرید برای نیاز است یا برای آرام‌کردن اضطراب؟

روزهای قبل از آغاز جنگ ۴۰ روزه را یاد می‌آید؛ همان روزهایی که مضطربانه عده‌ای کنسرو، آب معدنی و ماکارونی می‌خریدند. عده‌ای دیگر در گروه‌ها از قرص ضدعفونی آب می‌نوشتند و عده‌ای دیگر هم به سراغ مغازه‌های خرید لوازم کسوه می‌رفتند و پتوهای عاریقی می‌خریدند. حالا و در این روزها و در حالی که احتمال بازگشت تنش همچنان بر فضای جامعه سنگینی می‌کند، ایرنا در گزارشی به بررسی رفتار مصرفی مردم پرداخته است؛ از صف‌های مقطعی پمپ‌بنزین و خریدهای هیجانی گرفته تا انبار خانگی برخی کالاها و چک‌کردن مداوم قیمت‌ها. کارشناسان معتقدند بخش مهمی از این رفتارها نه ناشی از نیاز واقعی، بلکه واکنشی روانی به اضطراب، پلاکتیکلیفی و احساس ناامنی نسبت به آینده است؛ وضعیتی که اگر مدیریت نشود، می‌تواند به عاملی برای تشدید بحران تبدیل شود. الگوی مصرف جامعه در چنین شرایطی طیف گسترده‌ای از رفتارها را شامل می‌شود؛ از مصرف آب، برق و گاز گرفته تا سوخت، کالاهای اساسی، دارو و حتی مصرف اخبار و محتوای رسانه‌ای. جامعه این روزها در وضعیت آماده‌باش روانی است و این پرسش مطرح است که خرید برای نیاز است یا برای آرام‌کردن اضطراب؟

امیرحسین صالحی، جامعه‌شناس و پژوهشگر رفتارهای اجتماعی می‌گوید: «در بحران‌ها، بخشی از مصرف مردم دیگر مصرف منطقی و مبتنی بر نیاز واقعی نیست، بلکه مصرفی روانی و هیجانی است. افراد با خریدکردن، ذخیره‌سازی یا حتی پرکردن باک خودرو، احساس می‌کنند بخشی از کنترل شرایط را دوباره به دست آورده‌اند. این رفتار از نظر روانی قابل فهم است. همان‌طور که برخی افراد هنگام اضطراب دچار پرخوری عصبی می‌شوند، جامعه هم در شرایط نااطمینانی ممکن است به سمت مصرف هیجانی حرکت کند؛ زیرا خرید و ذخیره‌سازی، به‌طور موثر احساس امنیت ایجاد می‌کند.»

به گفته این جامعه‌شناس، «مشکل زمانی آغاز می‌شود که این اضطراب به رفتار جمعی تبدیل شود.» او می‌گوید: «اگر جامعه به این باور برسد که هر لحظه ممکن است بحران بزرگ‌تری رخ دهد، رفتارهای هیجانی گسترش پیدا می‌کند؛ از هجوم ناگهانی به پمپ‌بنزین‌ها گرفته تا خرید بیش از نیاز برخی کالاها در چنین شرایطی، حتی اگر کمبودی واقعی وجود نداشته باشد، رفتار هیجانی جامعه می‌تواند خود به ایجاد کمبود مقطعی منجر شود.»

در هفته‌های اخیر نیز انتشار مداوم تحلیل‌ها و هشدارها درباره احتمال بازگشت درگیری‌ها، باعث شده بخشی از جامعه نسبت به آینده احساس بی‌ثباتی بیشتری داشته باشد؛ احساسی که خود را در افزایش حساسیت به قیمت‌ها، نگرانی درباره تأمین کالاها و رفتارهای احتیاطی در خرید نشان می‌دهد.

برخی کارشناسان رسانه معتقدند در کنار نگرانی‌های واقعی، بازنشر مداوم فضای هشدار و سناریوهای بحرانی نیز می‌تواند رفتار مصرفی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. محمد محتاطی، دکترای علوم ارتباطات می‌گوید:

«جامعه در وضعیت اضطراب فقط خبیر مصرف نمی‌کند، بلکه اضطراب را هم مصرف و بازتولید می‌کند. همین مسئله می‌تواند از طریق هجوم مقطعی به خرید کالا، سوخت یا حتی رفتارهای احساسی در بازار خود را نشان دهد.»

این پژوهشگر علوم ارتباطات تأکید می‌کند: «یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش رفتارهای هیجانی، کاهش مواجهه مداوم با اخبار تنش‌آلود و شیاعت فضای مجازی است؛ زیرا ذهن مضطرب بیش از هر زمان دیگری مستعد تصمیم‌های احساسی و واکنشی می‌شود.»

آنچه امروز جامعه با آن مواجه است، فقط نگرانی از آینده نیست؛ تلاش برای حفظ حس امنیت در میانه نااطمینانی است. شاید مهم‌ترین آزمون جامعه در روزهای پس از بحران، نه در میدان جنگ، بلکه در شیوه مصرف و رفتار روزمره شهروندان رقم بخورد. اگر نااطمینانی و آتش‌س کنونی برای مدتی طولانی ادامه یابد، آنچه بیش از هر چیز به حفظ ثبات و آرامش کشور کمک می‌کند، مصرف مسئولانه، پرهیز از رفتارهای هیجانی و حفظ اعتماد عمومی خواهد بود. در چنین شرایطی، مدیریت مصرف دیگر فقط یک توصیه اقتصادی نیست، بلکه بخشی از آمادگی ملی برای عبور از روزهای نااطمنن پیش‌رو به شمار می‌رود.

«ترافیک بود!»؛ این اولین توجیهی است که شهروندان در شهر تهران

برای دفاع از خود به دلیل دیرآمدن به کار می‌برند. اما اگر یک نفر شش ماه در تهران زندگی کند، با اندکی دقت متوجه می‌شود: جمعه خلوت‌ترین روز است، پنجشنبه (و البته شنبه به دلیل عدم بازگشت اهالی شهرستان به تهران، تعطیل‌بودن کشور امارات متحده عرب و روشن‌نبودن ارزش درهم برای به‌دست‌آوردن نرخ دلار آمریکا در بازار) نیمه‌خلوت است، یکشنبه و چهارشنبه که روزهای آغاز و پایان کاری هفته هستند و در نتیجه شلوغ‌ترین روزها هستند، دوشنبه و سه‌شنبه هم میزان آلودشد خاص خود را دارند.

صبح‌ها بار حرکتی از جنوب به شمال و شرق به غرب (به دلیل وجود مراکز اداری و تجاری در نیمه شمالی پایتخت و در غرب بودن کرج) و عصرها، عکس این مسیر است. تعطیلات پشت سر هم و بارندگی هم بیچیدگی‌های ترافیکی خود را دارند. نتیجه اینکه «ترافیک بود»، ساده‌انگار فرض‌کردن فردی است که به‌موقع به قرار رسیده است.

برگردیم به ابعاد حقوقی ماجرا. در تقویم جهانی، ۳ ژوئن (برابر با چهارشنبه ۱۳ خردادماه) به نام «روز زودآمدن سر کار» نام‌گذاری شده است. اهمیت موضوع برای ما وقتی است که بدانیم علت شروع کار در ساعت ۷ صبح به‌جای ۸، برای استفاده از نور خورشید و البته استفاده‌کردن از دستگاه‌های سرمازای فصل گرم است. علت اتخاذ این تصمیم، عدم امکان جلوگیری ساعت از سوی دولت است. از زاویه تاریخی، اولین مصوبه در این زمینه با نام «تغییر ساعت و جلوگیری آن به مدت یک ساعت تا آخر شهریورماه ۱۳۵۸»، در ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ به تصویب دولت موقت می‌رسد. از اوایل دهه ۷۰ دوباره ساعت‌ها در نیمه اول صبح به میزان یک ساعت جلو کشیده می‌شاد تا اینکه دولت محمود احمدی‌نژاد در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ تغییر ساعت را کنار گذاشت. پس از انتقادها، مجلس شورای اسلامی به صحنه آمد و با تصویب «قانون تغییر ساعت رسمی کشور» در ۳۱ مردادماه ۱۳۸۶ در قالب یک ماده واحده که بیان می‌کرد: «ساعت رسمی کشور هر سال در ساعت ۲۴ روز



حمام تاریخی کنجعلی خان کرمان، یکی از شاخص‌ترین بناهای دوره صفوی. با آسیب‌های جدی در تزیینات کاشی‌کاری خود روبه‌رو شده است. بخش‌هایی از کاشی‌ها به‌قدری فرسوده شده‌اند که با کوچک‌ترین تماس فرو می‌ریزند و در برخی نقاط دیوار گرمینه نیز تورم و جادشدگی کاشی‌ها، خطر ریزش آنها را افزایش داده است. عکس: رحیم بنی‌اسدزاد، ایرنا

زودآمدن سر کار و ابهامات تفکیک قوا



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

اول فروردین‌ماه یک ساعت به جلو کشیده می‌شود و در ساعت ۲۴ روز سی‌ام شهریورماه به حال سابق برگردانده می‌شود» و به روش جاقفاده گذشته ادامه دارد. در دولت سیدابراهیم رئیسی نیز ساعت ثابت ماند و مصوبه شناورشدن ساعت کار به اجرا درآمد.

سرانجام مجلس شورای اسلامی در ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ با تصویب متن دیگری با نام «قانون نسخ قانون تغییر ساعت رسمی کشور» با این عبارت «قانون تغییر ساعت کشور، مصوب ۱۳۸۶/۵/۳۱ نسخ می‌گردد و دولت مجاز به تغییر ساعت رسمی کشور نیست، به هیئت وزیران اجازه داده می‌شود مطابق ماده (۸۷) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی، نسبت به تنظیم ساعات کار ادارات، سازمان‌ها و مراکز تابعه اقدام نماید.» در تبصره مقرر شده این قانون از اول فروردین ۱۴۰۲ لازم‌الاجراست. ماده ۸۷ «قانون مدیریت خدمات کشوری»، ساعت کار کارمندان را ۲۴ ساعت در هفته و ترتیب و تنظیم آن را با پیشنهاد سازمان امور اداری استخدامی کشور و تصویب هیئت وزیران می‌داند و البته کلیه دستگاه‌های اجرای باید ساعت کار را شش روز در هفته تنظیم کنند. اگرچه اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند»؛ با این حال نمی‌تواند دیگر

نگاه

اگر ما برویم، چه کسی بسازد؟



یاس جوزی

مهاجر ایرانی از ۱۷ هزار دانشجوی در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۶۶ هزار دانشجو در سال ۲۰۲۰ رسیده و به عبارتی حدود ۳٫۸ برابر شده است.

بانک جهانی گزارش می‌دهد کشور زادگاه هر فرد مهاجر حدود ۱۲۰ هزار دلار برای آموزش و سلامت او بودجه خرج می‌کند. به عبارت دیگر، صرف‌نظر از ارزش معنوی و انسانی، خروج هر مهاجر به معنای خروج دست‌کم ۱۲۰ هزار دلار سرمایه‌کشور است. خسارات مهاجرت نیروی انسانی به همین جاتخم نمی‌شود و خروج گسترده نیروهای متخصص، کشور را با کمبود نیروی متخصص مواجه کرده است. طبق برآوردهای رسمی، ایران با کمبود حدود صد هزار پرستار مواجه است. سرانه پرستار در ایران به ازای هر ۱۰ هزار نفر حدود ۱۷ نفر است؛ در حالی که در جهان این رقم ۲۷٫۴ پرستار به ازای هر ۱۰ هزار نفر است. همچنین سرانه پزشک در ایران، ۱۶ به ازای هر ۱۰ هزار نفر است؛ رقمی که کمتر از ۲۰ پزشک در بسیاری از کشورها و بین ۳۰ تا ۵۰ پزشک در کشورهای پیشرفته است.

همچنین نتایج یک پیمایش رصدخانه مهاجرت ایران حاکی از آن است که ۲۴٫۹ درصد از مدیران ارشد و کارآفرینان میل به مهاجرت همراه با



حمام تاریخی کنجعلی خان کرمان، یکی از شاخص‌ترین بناهای دوره صفوی. با آسیب‌های جدی در تزیینات کاشی‌کاری خود روبه‌رو شده است. بخش‌هایی از کاشی‌ها به‌قدری فرسوده شده‌اند که با کوچک‌ترین تماس فرو می‌ریزند و در برخی نقاط دیوار گرمینه نیز تورم و جادشدگی کاشی‌ها، خطر ریزش آنها را افزایش داده است. عکس: رحیم بنی‌اسدزاد، ایرنا

یادداشت

نان؛ از قوت سفره مردم تا کالای لاکچری



فردین کمانگر

روزنامه‌نگار

نان در فرهنگ و معیشت ایرانیان فقط یک ماده غذایی نیست، مهم‌ترین رکن سفره خانوار و اصلی‌ترین کالای امنیت غذایی مردم به شمار می‌رود. با این حال، در سال‌های اخیر کیفیت و قیمت نان به یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های شهروندان در سراسر کشور تبدیل شده است؛ مشکلی که دیگر محدود به یک شهر یا استان نیست و تقریباً همه مردم با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. امروز بسیاری از خانواده‌ها نهنتها از کاهش کیفیت نان گلایه دارند، بلکه برای تهیه همین کالای اساسی نیز با مشکلات متعدد اقتصادی روبه‌رو هستند.

دولت در سال ۱۴۰۱ با اجرای طرح هوشمندسازی و هدفمندسازی یارانه آرد و نان تلاش کرد بخشی از نابسامانی‌های این حوزه را سامان دهد. هدف این طرح جلوگیری از قاچاق آرد، کاهش هدررفت منابع و شفاف‌سازی چرخه توزیع نان بود. بر اساس این طرح، نانوایی‌ها به کارتخوان‌های هوشمند مجهز شدند و یارانه دولت به‌جای کارخانه‌های آرد، متناسب با میزان فروش واقعی نان به نانوائیان اختصاص یافت. اما با وجود گذشت چند سال از اجرای این طرح، هنوز بازار نان به ثبات و آرامش نرسیده است.

امروز نان با نرخ‌های متفاوتی در نانوائی‌ها عرضه می‌شود؛ از نان دولتی گرفته تا نان آزادبز که هرکدام قیمت، وزن و حتی کیفیت متفاوتی دارند. این تفاوت قیمت‌ها در حالی است که نظارت‌ها نیز نتوانسته مانع تخلفات گسترده در حوزه کم‌فروشی، گران‌فروشی و افت کیفیت شود. در برخی مناطق، قیمت یک نان سنگک آزادبز به حدود صد هزار تومان نیز رسیده است؛ رقمی که برای بسیاری از خانوارها و به‌ویژه آنان که دارای حقوق ثابت هستند سنگین و نگران‌کننده است. چنین وضعیتی به‌تدریج نان را از یک کالای عمومی و در دسترس به محصولی لوکس تبدیل کرده و عدالت غذایی را با چالش جدی مواجه ساخته است.

از سوی دیگر، گزارش‌های متعدد نشان می‌دهد برخی نانوائی‌ها به دلیل اختلاف قیمت آرد و نان، اقدام به کم‌فروشی یا عرضه غیرقانونی آرد و نان در بازار آزاد می‌کنند. نتیجه این روند آن است که شهروندان حتی برای خرید نان آزاد نیز با مشکل مواجه می‌شوند. تداوم چنین تخلفاتی، بی‌قانونی را به یک عرف خطرناک در بازار نان تبدیل کرده است، عرفی که هم به اعتماد عمومی آسیب می‌زند و هم امنیت غذایی جامعه را تهدید می‌کند.

در کنار مسائل اقتصادی، موضوع کیفیت و بهداشت نان نیز به حاشیه رانده شده است. بسیاری از مردم از کیفیت پایین آرد، کوچک‌شدن چانه‌های نان، استفاده از مواد غیراستاندارد و نبود نظارت بهداشتی کافی گلایه دارند. این در حالی است که نان، اصلی‌ترین ماده مصرفی بخش بزرگی از جامعه محسوب می‌شود و هرگونه افت کیفیت آن می‌تواند مستقیماً سلامت عمومی را تحت تأثیر قرار دهد.

البته در بررسی مشکلات این حوزه نباید شرایط دشوار خیازان را نادیده گرفت. افزایش هزینه‌های تولید، رشد قیمت حامل‌های انرژی، بیبیه، دستمزدها و سایر هزینه‌های جانبی باعث شده فعالیت بسیاری از نانوائی‌ها دیگر صرفه اقتصادی نداشته باشد. طبیعی است ادامه این روند، برخی فعالان این صنف را به سمت تخلف یا کاهش کیفیت سوق دهد. بنابراین حل بحران نان فقط با فشار و برخورد تعزیراتی ممکن نیست، بلکه نیازمند تدوین یک راهبرد جامع و کاربردی است.

دولت باید با حذف چندنرخی بودن نان و ایجاد سازوکاری شفاف، شرایطی فراهم کند که همه شهروندان در هر نقطه کشور بتوانند نان باکیفیت و با قیمت عادلانه تهیه کنند. در عین حال، هرگونه تصمیم درباره آزادسازی قیمت نان یا پرداخت یارانه نقدی نیز باید با دقت و حساسیت بالا انجام شود تا امنیت غذایی اقشار ضعیف جامعه آسیب نبیند.

نان نباید از سفره مردم حذف یا به کالایی لاکچری تبدیل شود. بازگشت آرامش، کیفیت و عدالت به بازار نان، نیازمند نظارت مؤثر، حمایت از خبازان و تصمیم‌گیری‌های کارشناسی است تا دوباره همه خانوارها بتوانند بدون دغدغه، نان باکیفیت را بر سر سفره خود داشته باشند.

توجه

برنامه‌ریزی دارند. به عبارت دیگر، نزدیک به یک‌چهارم کارآفرینان ایرانی به صورت جدی به مهاجرت فکر می‌کنند. اتفاقی که می‌تواند بازار کار ایران را بیش از پیش فقیر و خالی از فرصت‌های شغلی کند و همچون یک چرخه معیوب، سایر ایرانیان را با کمبود شغل مواجه کرده و انگیزه مهاجرت را برای آنها تقویت کند. نکته شایان توجه اینکه بسیاری از مهاجران ایرانی می‌گویند با انگیزه یافتن کار و فرصت شغلی بهتر مهاجرت می‌کنند.

با این حال، نمونه‌های مورد مطالعه توضیح می‌دهند مهاجرت لزوماً خوسته‌های آنها را پرآزوده نکرده و چالش‌هایی مانند تسلط ناکافی به زبان و فرهنگ کشور میزبان، سبب شده است آنها در جامعه جدید نتوانند درآمد کافی داشته باشند یا شغل دلخواه خود را به دست آورند. شاید همین موضوع سبب شده است گرایش به مهاجرت به سنین پایین‌تر برسد و اشتیاق مهاجرت در نسل «زده» ایران بیش از پیش تقویت شود؛ موضوعی که می‌تواند به سالخوردگی جمعیت ایران دامن بزند.

مسئله اما فقط مهاجرت و ریزش نیروهای متخصص و خروج سرمایه از کشور نیست؛ نکته نگران‌کننده این است که بر اساس یافته‌های پژوهشی مؤسسه گالوپ، بسیاری از مهاجران ایرانی میل بازگشت به سرزمین مادری ندارند. در حالی که میل به بازگشت مهاجران سایر کشورها به‌طور میانگین هفت درصد است. میل به بازگشت مهاجران ایرانی فقط یک درصد و به یک‌هفتم مهاجران سایر کشورهاست.

با این حال همچنان بسیاری از ایرانیان زندگی در ایران و ساخت کشور را رؤیای خود می‌دانند؛ ایرانیانی که معتقدند ایران با دستان خود آنها ساخته می‌شود و اگر آنها میدان را خالی کنند، چه کسی بماند که بسازد.

۳۲ میلیون پشه

گوکل می‌خواهد «با استفاده از حشرات خوب، حشرات بیماری‌هایی مانند هانتاویروس جزء دغدغه مسئولان شهری است. موش‌های پاسبید یا موش‌های آهویی ازجمله جوندگان شهری هستند که طول بدن آنها بین هفت تا ۱۰ سانتی‌متر است. موش‌های پاسبید عمدتاً گیاه‌خوار هستند اما از دانه غلات، آجیل، میوه‌های کوچک مانند انواع توت و حتی برخی حشرات نیز تغذیه می‌کنند و این موش‌ها معمولاً در انبارهای شلوغ، مکان‌های دارای درز و شکاف زیاد، چمنزارها و مناطق جنگلی زندگی می‌کنند. قرار است اقداماتی پیشگیرانه برای گسترش حضور این موش‌ها انجام شود؛ ازجمله ضدعفونی محل‌های آلوده قبل از تمبرکاری، کنترل جمعیت جوندگان و تهیه خانه‌های متروکه.

۷ سانت

این روزها کنترل جمعیت جوندگان برای جلوگیری از انتقال بیماری‌هایی مانند هانتاویروس جزء دغدغه مسئولان شهری است. موش‌های پاسبید یا موش‌های آهویی ازجمله جوندگان شهری هستند که طول بدن آنها بین هفت تا ۱۰ سانتی‌متر است. موش‌های پاسبید عمدتاً گیاه‌خوار هستند اما از دانه غلات، آجیل، میوه‌های کوچک مانند انواع توت و حتی برخی حشرات نیز تغذیه می‌کنند و این موش‌ها معمولاً در انبارهای شلوغ، مکان‌های دارای درز و شکاف زیاد، چمنزارها و مناطق جنگلی زندگی می‌کنند. قرار است اقداماتی پیشگیرانه برای گسترش حضور این موش‌ها انجام شود؛ ازجمله ضدعفونی محل‌های آلوده قبل از تمبرکاری، کنترل جمعیت جوندگان و تهیه خانه‌های متروکه.

۲۵۸۰ متر

قله اورست با ارتفاع رسمی ۸۸۴۸۸۶ متر از سطح دریا، بالاترین نقطه از سطح آب‌های آزاد محسوب می‌شود. بااین حال، بلندترین نقطه از مرکز زمین به آتشفشان جیمپوزارو در رشته‌کوه‌های آنداکوآدور تعلق دارد. قله جیمپوزارو شش‌هزارو ۲۶۸ متر از سطح دریا ارتفاع دارد که تقریباً دوهزارو ۵۸۰ متر از اورست پایین‌تر است. علت این تفاوت، شکل کروی کامل بودن زمین است. براساس اندازه‌گیری‌ها، قله جیمپوزارو حدود ۶۳۸۴٫۴ کیلومتر از مرکز زمین فاصله دارد، در حالی که این فاصله برای اورست ۶۳۸۲٫۳ کیلومتر است. بنابراین، جیمپوزارو حدود ۲٫۱ کیلومتر از اورست به مرکز زمین دورتر است. اما ایستادن بر روی قله اورست به دلیل فرارگرفتن دوهزارو ۵۸۰ متر بالاتر از سطح دریا، هرکسی را به فضا نزدیک‌تر خواهد کرد.